



# کارآمدی حکومت امیر مؤمنان (ع) واقعیتی تاریخی

حجت الاسلام والمسلمین مهدی پیشوایی

●●● ارزیابی شما از کارآمدی حکومت علوی چیست؟

پیش از هر سخنی برای ارزیابی کارآمدی یا ناکارآمدی یک حکومت باید سنجهای را در نظر بگیریم و ملاکها یا معیارهایی را بپذیریم و براساس آنها ارزیابی کنیم و گرنه بدون تعیین شاخصهای موثر در کارآمدی، ارزیابی کارآمدی به نتیجه مطلوب و روشنی نخواهد رسید. از آن جا که ارزیابی صحیح کارآمدی یک حکومت، وابسته به در نظر گرفتن همه شاخصهای موثر در آن است با یک ملاک نمی توان به سراغ ارزیابی یک حکومت رفت. از این رو به نظر می رسد شاخصهای زیر را باید مورد توجه قرار داد:

۱. محیط جامعه، شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان در آغاز حکومت
۲. مشکلات و موانع داخلی یا خارجی
۳. طرحها و برنامههای اجرایی حکومت
۴. مدت دوام و طول عمر حکومت
۵. مقایسه آن حکومت با حکومت قبلی
۶. اهداف حکومت

حال به بررسی این موارد در حکومت علوی می پردازیم:  
علی (ع) با یک انقلاب و حرکت عمومی و به دنبال کشته شدن خلیفه سوم به دست مردم

**اشاره**  
پیشوایی شخصیتی نام آشنا در حوزه علمیه است و کمتر طلبه و محقق و پژوهشگر تاریخ اسلام است که در سیر تحقق و پژوهش خود را بی نیاز از نقد و نقطه نظرات او بداند، گرفتن فرصتی کوتاه از این دانشمند هم برای نشریه پویاغنیمت بود، تا کارآمدی حکومت امیر مؤمنان (ع) را از منظر این استاد تاریخ اسلام در میان بگذاریم، آن چه پیش رو است، پرسشهای کوتاه و پاسخهای این صاحب نظر تاریخ صدر اسلام است.

را آفرید، اگر نه این بود که آن جمعیت بسیار (برای بیعت) گرداگردم جمع شده و به یاری برخاستند و از این جهت حجت تمام شد، و اگر نبود پیمانی که خداوند از عالمان گرفته که در برابر پرخواری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، افسار شتر خلافت را رها می‌کردم و از آن صرف‌نظر می‌کردم و پایان آن را با جام آغازش سیراب می‌کردم...»<sup>۲</sup>

### ● ● با وجود اوضاع و شرایط نامساعدی که توضیح دادید، بعد از آغاز حکومت علوی چه اتفاقی روی داد؟

سیر حوادث نشان داد که ارزیابی حضرت درست بوده است به این دلیل که هنوز شش ماه از آغاز خلافت حضرت نگذشته بود که تشنگان قدرت و ریاست، کینه‌ورزان به امام و مهره‌های باغی بنی‌امیه توطئه راه انداختند و جنگ جمل را به وجود آوردند. امام در آن ماه‌های اول، به شدت سرگرم حل و فصل امور بود و کارگزاران فاسد را برکنار و کارگزاران صالح را منصوب می‌کرد و اوضاع آشفته ناشی از انقلاب را سر و سامان می‌داد که گزارش رسید پیمان‌شکنان عازم تصرف بصره هستند! امام کارها را نیمه‌تمام رها کرد و با سپاهی عازم عراق شد. نهایتاً جنگ جمل به وجود آمد که بنابر اختلاف آمار و اختلاف نقل‌ها بین شش تا سی هزار نفر از طرفین کشته به جای گذاشت؛ یعنی کاری کردند که حکومت حضرت با کشتار شروع شد! و پیش از آن که مردم، طعم شیرین اصلاحات و عدل گستری امام را بچشند با خون‌ریزی روبرو شدند و تخم عدالت و کینه بین دو گروه از مسلمانان کاشته شد!

بعد هم جنگ صفین را به وجود آوردند که بنابر نقل تعدادی از مورخان ۷۰ هزار نفر کشته از طرفین داشت! به دنبال جنگ صفین، خوارج کوردل و تکفیری، جنگ نهروان را به وجود آوردند که با کشته شدن ۴ هزار نفر از آنان پایان یافت. بدین ترتیب طی چهار سال و نه ماه خلافت علوی، سه جنگ پرتلفات بر او تحمیل کردند.

### ● ● پس با وجود شرایط آن زمان بالآخره کارآمدی و توفیق حکومت علوی در زمینه سیاسی چگونه بود؟

با بررسی اسناد و شواهد آن روزها به این نتیجه می‌رسیم که حکومت علوی با وجود همه مشکلات و کارشکنی‌ها از نظر سیاسی موفق بوده است و اکنون به بند «طرح‌ها و برنامه‌های حکومت علوی» می‌پردازیم؛ یکی از عوامل مهم ناخرسندی مردم از حکومت عثمان کارگزاران فاسد و ستمگر او بودند که عموماً اموی، بی‌تجربه و بدسابقه بودند. پس از بیعت مردم با امام، در رأس خواسته‌های عمومی مردم، عزل حکمرانان عثمان بود. امام این امر را جزء اصلاحات کوتاه مدت خود قرار داد و بی‌درنگ همه کارگزاران عثمان را - به جز یکی دو مورد - برکنار و به جای آن‌ها کارگزاران صالح منصوب کرد، و در این مورد به مصلحت‌اندیشی بعضی از خیرخواهان در مورد ابقای موقت معاویه توجه نکرد. اقدام امام در برکناری همه کارگزاران خلیفه‌ی گذشته، در واقع یک اقدام انقلابی، یک جراحی بزرگ و یک اقدام پرهزینه بود که امام هزینه آن را به جان خرید.

### ● ● آیا همه کارگزاران امام، صالح و کارآمد بودند؟

باید توجه داشته باشیم که امام کارگزاری را از میان افراد صالح انتخاب کرد که در آن روزگار «خیرالموجودین» بودند. به عنوان نمونه در میان

انقلابی روی کار آمد و وارث وضع آشفته، فساد مالی و اداری گسترده چندین ساله بود که اصلاح آن‌ها کار آسانی نبود زیرا اگر علی علیه السلام خلافت را قبول می‌کرد قطعاً در صدد احیای سیره و سنت نبوی به ویژه در امر حکومت برمی‌آمد و بدیهی بود که غارت‌گران بیت‌المال و مفسدانی که در زمان خلیفه‌ی گذشته به غارت اموال عمومی پرداخته بودند، در مقابل آن می‌ایستادند و موانع و مشکلاتی برای حکومت ایجاد می‌کردند. از جهت دیگر ذات‌گه عمومی هم تغییر یافته و سیره‌ی نبوی به فراموشی سپرده شده بود. حضرت علی علیه السلام این امر را پیش‌بینی می‌کردند و به همین دلیل وقتی که مردم پس از قتل عثمان به صورت خودجوش و با ازدحام به حضرت مراجعه کردند، ابتدا قبول نکرده و فرمودند:

"مرا واگذارید و به سراغ دیگری بروید زیرا ما به استقبال وضعی می‌رویم که چهره‌های مختلف و جهات گوناگونی دارد. اوضاع، مبهم و پیچیده است. دل‌ها بر این امر استوار و قلب‌ها ثابت نمی‌ماند. ابرهای فساد فضای جهان اسلام را تیره ساخته و راه مستقیم ناشناخته مانده است. آگاه باشید که اگر دعوت شما را اجابت کنم، طبق آن چه خود می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به سخن این و آن و سرزنش کنندگان گوش فرا نخواهم داد، اما اگر مرا رها کنید، من هم مانند یکی از شما هستم، شاید من شنواتر و مطیع‌تر از شما نسبت به خلیفه منتخب شما باشم و من وزیر و مشاورتان باشم بهتر از آن است که امیر و رهبرتان گردم!"

شاید برخی با توجه به فرازهای پایانی این خطبه گمان کنند، امیرالمومنین مبنای حکومت و فرمانروایی خود را رأی مردم و خواست مردم می‌داند، اما این گمان درست نیست. مقبولیت عامه، شرط ایفای رسالت امامت است، اما مشروعیت آن الهی است. اگر از منظر حضرت امیر علیه السلام ملاک مشروعیت ولایت و حکومت او صرفاً رأی مردم بود طبیعتاً می‌بایست در بخشنامه‌هایش طبق رأی و خواست مردم عمل می‌کرد؛ پس چرا حضرت در صدر همین خطبه فرمودند: (بدانید اگر با من بیعت کنید هر چه را که خود خیر تشخیص دهم شما را به همان سوی می‌برم، و نظر احدی را نمی‌شنوم و سرزنش کسی در من اثر نخواهد گذاشت).

بنظر می‌رسد این سخن حضرت در مقام اتمام حجت به مردم و آماده کردن آن‌ها برای اطاعت از اصلاحات سخت آینده در حکومت علوی بوده است، اما چون رفت و آمدهای مردم و درخواست‌های مصرانه مسلمانان افزایش یافت و سیل خروشان مردم مشتاق عدالت به در خانه حضرت سرازیر گردید، امام احساس وظیفه کردند و ناگزیر، بیعت مردم را پذیرفتند. امام بعدها در دوران خلافت خود، در مقام گله و شکوه از یارانانشان که سستی و نافرمانی از خود نشان می‌دادند، چند بار از استقبال پرشور و پافشاری مردم هنگام درخواست بیعت یاد کردند. از جمله ضمن اشاره به مشکلات در پیش‌رو در آن زمان می‌فرمودند: که مردم همانند شتران تشنه کامی که به آب برسند و ساریان رهایشان ساخته و افسار از سر آن‌ها برگیرند، برمن هجوم آوردند، به یکدیگر تنه می‌زدند و فشار می‌آوردند آن‌چنان که گمان کردم مرا خواهند کشت، یا برخی، برخی دیگر را به قتل خواهند رسانید. سپس این موضوع (قبول خلافت) را زیرورو کردم، همه جهاتش را سنجیدم به طوری که خواب را از چشمم ربود..."<sup>۳</sup>

پس امام مشکلات و موانع را پیش‌بینی می‌کرد و فقط در برابر درخواست عمومی و مقبولیت عامه، این منصب را پذیرفت چنان که در خطبه ششگانه می‌فرماید: «... سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان

سهام را داشتند. خلیفه سوم نیز - چنان که گذشت - آن را بین خویشان خود از بنی امیه بذر و بخشش می‌کرد و خود نیز در آن تصرفات غیرمجاز می‌نمود. امام اعلام کردند که بیت‌المال را در میان همه‌ی مسلمانان اعم از قریشی و غیرقریشی، مهاجر و انصار یا عرب و عجم مساوی تقسیم خواهند کرد. به حکم شواهد تاریخی غیرقابل انکار، امام تا آخر عمر، آن را به اجرا گذاشتند.

تقسیم مساوی بیت‌المال رضایت عمومی را جلب کرد اما چنان که اشاره شد امتیازخواهان، آن را نپذیرفتند و از ایجاد هر گونه مانعی فرگذار نمی‌کردند. این شیوه برای برخی افراد نیز قابل تحمل نبود و به جاذبه درهم و دینار و سفره رنگین به معاویه پیوستند!

#### ● ● سیاست اقتصادی امام چه قدر در رفاه عمومی تأثیر داشت؟

با توجه به فتوحات زیادی که در زمان خلیفه دوم و سوم رخ داد، غنایم و عواید سرشاری به مدینه سراریز شد و امت اسلامی از نظر عواید عمومی در تنگنا نبودند، اما چون این عواید عادلانه تقسیم نمی‌شد، جامعه به دو قطب «دارا» و «نادار» تقسیم شده بود. امام با سیاست اقتصادی خود، جامعه را از دوقطبی بودن بیرون آوردند و با تقسیم یکسان بیت‌المال، مردم از یک رفاه نسبی و عمومی برخوردار شدند. هر چند آمار دقیقی در این زمینه در دست نیست اما برخی شواهد، آن را تأیید می‌کند. به عنوان نمونه روزی امام با اشاره تلویحی به نمونه بودن شهر کوفه از نظر رفاهی فرمودند: «هر کس در کوفه است از نعمت و رفاه بهره‌مند است و پایین‌ترین آنان از نظر درجه معیشتی، از [آرد] گندم استفاده می‌کند و در سایه می‌نشیند و از آب فرات می‌نوشد»<sup>۶</sup>

ابن دأب (ابوالولید عیسی بن یزید) از علما و از بزرگان علمی زمان



شصت یا هفتاد نفر از کارگزاران لشکری و کشوری حضرت، به جز چند مورد تخلف مالی خطای دیگری دیده نشد. به همین دلیل مردم از نمایندگان امام راضی بودند و اگر کوچک‌ترین خطایی از کسی سر می‌زد به امام منعکس می‌شد و امام اقدام لازم را به عمل می‌آوردند. عدالت‌گستری امام شامل حال مخالفان هم می‌شد و همه جا بر سر زبان‌ها بود. تاریخ گواهی می‌دهد که حتی سال‌ها پس از شهادت امام که معاویه قدرت مطلق جامعه اسلامی را در دست گرفته بود، گاهی که وی با یاران مخلص امام روبرو می‌شد و از آن‌ها در باره خصوصیات حضرت و همچنین از راز دل‌باختگی آن‌ها به امام می‌پرسید، آن‌ها از عدل و داد امام سخن‌ها می‌گفتند و حتی زنان پرورش یافته مکتب امام، مانند بانو «سوده بنت عماره همدانی»<sup>۷</sup> و «دارمیه حجویه»<sup>۸</sup> با شهامت، در برابر معاویه، در مورد عدل امام داد سخن می‌دادند!

علاوه بر بازرسی‌های محسوس و نامحسوس که از طرف امام بر امور جاری کشور و عملکرد کارگزاران اعمال می‌شد، امام نخستین بار در عصر اسلام، محلی به نام «بیت‌القصص» (به تعبیر امروز، صندوق شکایات) را برای رسیدگی به شکایات مردم تأسیس کرد تا اگر برای کسی امکان بیان مشکلات یا شکایات با شیوه‌های معمول وجود نداشت درخواست خود را بنویسد و در آن صندوق بیندازد.<sup>۹</sup> به کسانی که این بحث را مطالعه می‌کنند پیشنهاد می‌کنم که کتاب ما به نام «تاریخ اسلام از سقیفه تا کربلا» را به ویژه بخش خلافت امیرمؤمنان (علیه السلام) را مطالعه فرمایند.

#### ● ● حکومت علوی در زمینه اجرای عدالت اقتصادی چه قدر توفیق داشت؟

در یک کلام حکومت امام در این زمینه توفیق فراوانی داشتند، هر چند امام هزینه زیادی برای این امر پرداختند. توضیح این که اجرای عدالت اقتصادی و الغای شیوه‌ی دو خلیفه قبلی در این زمینه، جزء طرح‌ها و برنامه‌های مهم اصلاحاتی امام بود که از روزهای نخست خلافت بر آن تأکید داشتند و تا آخر عمر با شدت و قاطعیت، آن را اجرا کردند. اصلاحات اقتصادی امام شامل دو بخش کوتاه مدت و درازمدت بود. بخش کوتاه مدت، شامل بازپس‌گیری اموال عمومی تصاحب شده توسط عمال عثمان و نیز بازپس‌گیری زمین‌های واگذار شده به صورت «تیول» بود. امام فردای روز بیعت، طی خطبه‌ای فرمودند: «هر زمینی که عثمان آن را تیول کسی قرار داده و هر مالی که از مال خدا به این و آن بخشیده، به بیت‌المال برگردانده خواهد شد. گذشت زمان حق را از بین نمی‌برد. اگر این اموال را بیابیم آن‌ها را [به بیت‌المال] برخواهم گردانید، هر چند با آن‌ها کنیز خریداری شده باشد یا مهر زنان شده باشد...»<sup>۱۰</sup>

امام پس از این هشدار، املاکی را که عثمان به عنوان تیول به گروهی داده بود، پس گرفتند افزون بر آن، دستور دادند سلاح‌هایی را که در خانه عثمان بود و از آن‌ها در جریان محاصره خانه او بر ضد مسلمانان استفاده شده بود و نیز هر چه از شتران بیت‌المال در خانه‌اش بود، ضبط گردید.<sup>۱۱</sup> اما متأسفانه غارت‌گران بزرگ بیت‌المال مانند «مروان» داماد و پیشکار عثمان و «ولیدبن عقبه» و «سعیدبن عاص» و دیگر سران بنی‌امیه در همان روزهای اول، از مدینه فرار کردند و به آن‌ها دسترسی پیدا نشد. اما بخش دوم یعنی اصلاحات دراز مدت اقتصادی، مساوات در تقسیم بیت‌المال بود. خلیفه دوم بیت‌المال را با هفت گونه تبعیض تقسیم می‌کرد و امتیازبندی‌ها به گونه‌ای بود که سران قریشی مهاجر، بیشترین

ارزشی به عنوان عدالت و انصاف در تقسیم منافع جامعه ندارد. راستی آیا می‌توان آن‌ها را به عنوان نمونه و الگوی آرمانی حکومت اسلامی در دنیا معرفی کرد؟! آیا خلافت عثمان را با آن همه فساد مالی و اداری، می‌توان نمونه حکومت کارآمد معرفی کرد؟ در حالی که حکومت کوتاه مدت امیر مؤمنان علیه السلام با همه فراز و فرودهایی که داشت، از لحاظ معیارهای اسلامی، مستوره و نمونه درخشان حکومت اسلامی بود و الگوی قابل ارائه به جهان سیاست شد. این جانب در کتاب «تاریخ اسلام از سقیفه تا کربلا» دوازده شاخصه اصلی در مورد سیره حکومتی امام آوردم که سرمشق خوبی جهت کشورداری برای سیاستمداران و زمامداران است. آیا کارآمدی از این بالاتر؟

اهداف بلندی چون برقراری عدالت اقتصادی، اجرای یکسان حدود الهی بین فقیر و غنی و ضعیف و قوی، کوتاه کردن دست عناصر فاسد از حکومت اسلامی برای حفظ استقلال نظام، در نظر گرفتن سعادت دنیوی و اخروی احاد جامعه و دهها اصل اساسی و آرمان‌های متعالی دیگر، اهدافی بودند که امام در راستای جامه عمل پوشاندن به آن‌ها استقامت فراوان کردند و اگر به صورت کامل به آن‌ها نایل نشدند اما استقامت ایشان برسر اصول و پافشاری بر سر آرمان‌های بلند حکومت دینی، الگوی فراموش نشدنی برای حق‌طلبان عالم به یادگار نهاد و همگان به این امر پی بردند که رمز مخالفت‌های بی‌سابقه جریان‌ها و چهره‌ها و خواص اهل لغزش با حکومت علوی به علت نقص در آرمان‌ها و ضعف در برنامه‌ریزی یا سستی در برابر موانع و مشکلات نبود بلکه به علت انتخاب آرمان‌های متعالی، برنامه دقیق و حساب شده و پایداری ایشان در راه نیل به آرمان‌ها بود به همین دلیل بعد دیگر تضعیف حکومت ایشان در مقابل مخالفان، ناکارآمدی و ضعف آن نبوده بلکه اصالت و حقایق آن بود.

خلافت هادی عباسی (قرن دوم) ضمن گزارش مفصلی درباره فضائل علی علیه السلام نقل می‌کند: ... گروهی از مردم یک روز قبل از شهادت امام نزد او رفتند و همگی شهادت دادند که عواید عمومی (فیء) آن‌ها را افزایش داده و در اجرای احکام در مورد آن‌ها سازش کاری نکرده و از بیت‌المال مسلمانان حتی درهمی استفاده نکرده و از مال شخصی خود نیز بیش از حد حاجت و به مقدار قناعت استفاده نکرده است...<sup>۱۰</sup>

### ● ● طول عمر حکومت را از چه لحاظ جزء مؤلفه‌های کارآمدی حکومت علوی یاد کردید؟

طول دوران حکومت از این نظر مطرح شد تا متذکر شوم اگر حکومت شایسته‌ای، مدتی طولانی دوام داشته باشد، خدمات و اصلاحات بیشتری می‌تواند انجام دهد در حالی که می‌دانیم حکومت علوی عملاً بیش از چهار سال و نه ماه طول نکشید و امت اسلامی با ترور و شهادت ایشان توسط سران خوراج و هم‌دستان آنان از چنین نعمتی محروم شدند. این امر از این نظر اهمیت دارد که دستاوردهای فوق در مدت کوتاه حکومت حضرت باید سنجیده شود تا ارزیابی کارآمدی حکومت حضرت، منصفانه و واقع‌بینانه باشد و گر نه اصلاح و ترمیم بیست و پنج سال ویرانی و فساد، در مدت کوتاه چهار سال و نه ماه هرگز امکان ندارد و اگر دستاوردهای فوق در مقیاس مخالفت‌های گوناگون پیش روی اقدامات حضرت سنجیده شود بر اهمیت و میزان کارآمدی حکومت ایشان ن می‌افزاید؛ بنابراین اگر چه برنامه‌های حکومتی امام با مخالفت‌های گوناگون تضعیف شد و با شهادت امام در واقع ناتمام ماند اما این مسأله از کارآمدی حکومت ایشان نمی‌کاهد و نمی‌توان فرصت‌های از دست رفته را به حساب ناکارآمدی حکومت علوی گذاشت.

### ● ● مقایسه حکومت علوی با خلافت‌های قبلی، از چه نظر در ارزیابی حکومت علوی، مد نظر قرار می‌گیرد؟

از این نظر که وقتی از کارآمدی حکومت علوی سؤال می‌شود، چنین به نظر می‌رسد که گویا خلافت‌های قبلی کارآمد بوده و تنها کارآمدی حکومت امام که بعد از آن‌ها روی کارآمده، ابهام و جای سؤال دارد در حالی که چنین نیست. خلافت دو خلیفه قبلی چه کارآمدی داشت که حکومت امام نداشت؟ امتیاز بزرگ آن‌ها فتوح متعددی بود که در زمان آن‌ها اتفاق افتاد، اما آن هم بیش از آن که به سیاست شخصی خلفا مربوط باشد، ناشی از تداوم روحیه ایمان و جهاد و شهادت عصر نبوی و عشق و شور مسلمانان جهت گسترش اسلام بود ولی متأسفانه خلفا با سوء تدبیر و سیاست نادرست خود در برخورد با غنائم حاصل از آن فتوح، موجب رشد اشرافیت و اختلاف طبقاتی شدند. گویا اساساً اسلام



## حکومت کوتاه مدت

امیر مؤمنان علیه السلام با همه

فراز و فرودهایی

که داشت، از لحاظ

معیارهای اسلامی،

مستوره و نمونه درخشان

حکومت اسلامی بود

و الگوی قابل ارائه به

جهان سیاست شد.



پی‌نوشت‌ها:

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۹۲؛

۲. همان، خطبه ۵۴.

۳. همان، خطبه ۳.

۴. بلاغات‌النساء، ابن طیفور، ص ۳۰

۵. همان، ص ۷۲.

۶. کان لأمیر المؤمنین بیت سماء بیت القصص یلقى الناس فیه و قاعهم (ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۷، ص ۸۷).

۷. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵.

۸. شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۲۷۰، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۵۳.

۹. ما أصبح بالكوفة احد الا ناعماً، ان اناهم منزلة لیاکل من البئر و یجلس فی الظل، و یشرب من ماء الفرات (ابن شُر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۹۹).

۱۰. ثم دخل الناس علیه قبل أن یستشهد بیوم فشهدوا جمیعاً انه قد وفّر فیهم و ظلف عن دنیاهم ولم یرتشی فی [اجراء] احکامهم و لم یتناول من بیت مال المسلمین ما یساوی عقلاً و لم یأکل من مال نفسه الا بقدر البلیغ (مفید، الاختصاص، ص ۱۶۰).